

## مطبوعات فرانسوی زبان در ایران\*

ایرانیان با دنیای غرب از طریق پنجرهٔ فرانسه آشنا شدند تا حدی که همه اروپائیان رابطه‌طور کلی «فرنگی» خواندند. از این رو تعجب آور نیست که می‌بینیم نخستین نشریه به زبان برون‌مرزی به فرانسوی است: گوا اینکه سرنوشتی نادر داشت. ۱. چند روزنامه و هفته‌نامهٔ دیگر نیز که در يك فاصلهٔ چهل ساله به همین زبان پایه‌عرصهٔ وجود گذارد جای پای ثابت باز نمود، تا اولین روزنامهٔ دراز مدت با عنوان ژورنال دو تهران طلوع نمود. اعرام نخستین گروه دانشجویان ایرانی برای تحصیلات عالی به کشور فرانسه در اوائل دههٔ ۱۳۱۵ نمی‌تواند در ژست تشویق دولت به انتشار يك روزنامهٔ جدید به زبان فرانسوی بی‌اثر بوده باشد. مؤسسهٔ اطلاعات در این راه پیشگام شد.

ولی عامل ارتباط فرهنگی ما با فرانسه یعنی با زبان آن، طی بیش از ربع قرن که از شهریور ۱۳۲۵ شروع می‌شود روبه افول داشت. این واقعیت بر مطبوعات فرانسوی زبان اثر گذارد. ژورنال دو تهران که از نیمهٔ اول دههٔ ۱۳۱۵ شروع شده بود کماکان یکه‌تاز باقی ماند. کسی به فکر انتشار روزنامه/مجلهٔ جدید به زبان فرانسوی نیفتاد و حتی مؤسسهٔ کیهان هم در انتشار نشریهٔ معروف به کیهان فرانسه و «اوریان پانوراما» چنان شکستی خورد که دیگر از این فکرها نکرد.

شایسته آنکه به همین مقدمه کوتاه بسنده کنم و به معرفی ژورنال دو تهران بپردازم. این روزنامه با هدف «ترویج فرهنگ، تمدن، ادبیات و هنر ایران» اواخر اسفندماه ۱۳۱۳ (ماه مارس ۱۹۳۴ م.) شروع شد. ولی بیش از بیست سال طول کشید تا هدف تحقق یافت.<sup>۲</sup>

دومین نشریهٔ دراز مدت مؤسسه اطلاعات زمانی آغاز به کار کرد که زبان فرانسوی هنوز رایج‌ترین زبان متداول در دنیا بود و از جمله در مملکت ما. با جایگزینی زبان انگلیسی از جنگ جهانی دوم در ایران، این نشریه اگرچه عقب‌نیفتاد ولی زیاد هم رشد نکرد. کما اینکه تیراژ آن پادویست نسخه شروع گردید و فقط در دهه‌های ۴۵ و ۵۵ تا ۱۱ و ۱۳ هزار نسخه در روز رسید. در دههٔ ۲۵ رشدی نداشت به کلامی دیگر زیاد شدن تیراژ تا حدی تابع افزایش نسبی عادت روزنامه‌خوانی و حضور

\* بخشی است از گفتاری که نویسنده دربارهٔ «مطبوعات غیر فارسی در ایران» فراهم کرده است. (آینده)

۱- ر. ک. مجله آینده شماره ۴ و ۵ سال دهم.

۲- از نیمهٔ دوم دههٔ ۱۳۳۵ براساس تجربیات گذشته، کارکشتگی اعضاء هیأت تحریری و به‌خصوص شروع سردبیری تمام‌عیار احمد شهیدی.

فرانسویان در ایران بود: به علاوه‌ی کوشش جدید برای ترویج زبان فرانسوی در این کشور بعد از مسافرت رسمی ژنرال دوگل در مقام ریاست جمهوری فرانسه به ایران. طبق آن با ماشینهای دستی شروع شد و به ماشینهای الکتریکی چاپ مسطح رسید. حروفچینی نیز با دست آغاز گشت و بعداً در اختیار لاینوتایپ قرار گرفت. اما به شرحی که در کلیات این رساله رفته است این نقل و انتقال به سهولت انجام نگرفت و خون دلها خورده شد.

فاصله انتشار اولیه سه شماره در هفته بود تا روزانه گشت و با اینکه حدود اواخر دهه سوم انتشار، مدت کوتاهی عصرها ظاهر می‌گردید، به‌طور کلی يك روزنامه صیخ مرکز شناخته شده است.

تعداد صفحات در سالهای اولیه چهار بود. به‌مرور ایام تا ۱۲ صفحه هم رسید. با متوسط هشت صفحه در روز به‌استثنای ایام و مناسبتهای خاص که این رقم تا حد کمی بالا می‌رفت ولی هیچگاه چشمگیر نبود.

رقم نازل بهای تکفروشی در بدو انتشار طی سالهای اخیر حد اکثر بیست ریال ثابت ماند. اشتراک همیشه به‌راه بود، چه برای داخله و چه برای خارجه. از بین نشریات روزانه مؤسسه اطلاعات، ژورنال دوتهران یگانه روزنامه‌ای است که نسخه هوائی راه نینداخت. دلیل: جنبه اقتصادی نداشت. بازار اصلی فروش آن را از ابتداء تهران و تبریز تشکیل می‌دادند. نقاطی که تا به آخر مقام خود را حفظ کردند.

ژورنال دو تهران سالهای سال یگانه نشریه غیر فارسی بود که به‌خارج از کشور، اکثراً به‌فرانسه، ارسال می‌گشت و یا به‌سفارتخانه‌های خارجی در تهران راه می‌یافت. اعضاء هیات تحریری را بیشتر ایرانیان تشکیل می‌دادند. چند نفر فرانسوی، بلژیکی و سوئسی نیز در آن سابقه کار داشتند. از تقریباً سیزده سردبیر آن در طول ۴۴ سال انتشار فقط دو نفر فرانسوی بودند و یقیناً ایرانی. ۲ در دوران سردبیری آن‌دو نیز مسئولیت اصلی برعهده يك ایرانی بود. هر زمان يك فرانسوی سردبیر انشائی می‌شد، روزنامه رنگ و جلوه روزنامه‌نویسی عامه پسند به‌خود، می‌گرفت ولی فاقد روح ایرانی.

در سالهای نخست در واقع سه سردبیر داشت (يك) سردبیر سیاسی (دو) سردبیر ادبی و (سه) سردبیر عمومی. ۴ که اداره امور داخلی هم برعهده او بود. ولی رفته رفته

۳- معروفترین آنها عبارتند از ابوالقاسم اعتصام‌زاده، سعید نفیسی، ابراهیم خلیل سپهری، دکتر امامی، دکتر موسی بروخیم، احمد شهیدی و دکتر حسین کسمائی. از این جمع دوران مسئولیت بروخیم، شهیدی و کسمائی بیش‌از دیگران بود و از این سه نفر دوم صاحب رکورد زمانی است. سردبیری او به‌ده سال پایایی رسید و در همین زمان‌جام «امیل دوژیراردن» Emile de Jirardin به‌عنوان جایزه روزنامه‌نگاری به‌ژورنال دوتهران تعلق گرفت.

عنوان مزبور نام يك دانشمند حقوقدان فرانسوی است ملقب به‌پدر روزنامه نویسی فرانسه. این جایزه متعلق به‌يك فدراسیون غیر دولتی حفظ و اشاعه زبان فرانسوی است و به‌مطبوعات فرانسوی زبان کشورهایی اهدا می‌گردد که زبان‌مادری‌شان فرانسوی نیست. شرایط ربودن آن خاص و سخت است.

۴- به‌ترتیب: اعتصام‌زاده، نفیسی و سپهری.

هر سه مسئولیت بر گردۀ يك فرد مسؤَل قرار گرفت. ۵.

نوع و سطح مندرجات این یگانه روزنامه دراز مدت فرانسوی زبان نشانی از سیر تکاملی و صعود ملایم آن دارد. بیش از بیست سال تعدادی مقاله چاپ شده در روزنامه‌های فرانسوی زبان خارجی، عین اخبار و مطالب واصله توسط تلگراف و بعد دستگاه «هل» معروف به پندر ناتوان دستگاههای امروزی تلکس، صفحات يك کتاب/رمان به صورت پاورقی، و چند خبر داخلی که غروب روز پیش در روزنامه اطلاعات به چاپ رسیده بود مندرجات آن را تشکیل می‌داد. کوشش بعضی از اعضا، هیات تحریری در تهیه مطالب ادبی و هنری ایران چندان مستمر نبود که در ترفیع سطح مندرجات اثر گذارد. حال آنکه از دهه سوم انتشار نه تنها تنوع در این امر به چشم می‌خورد، بلکه سطح مطالب و انشاء آنها قوس صعودی پیموده و هر گاه مطالب اختصاصی‌اش را در رشته‌های شعر و ادب معاصر، هنر و تمدن ایران و رپورتاژهای ویژه را مد نظر قرار دهیم می‌بینیم که به صورت يك نشریه طراز اول و سیراب‌کننده عطش خبری و موضوعی خواننده درآمد: سنتی که تا پایان دوره مورد بحث این رساله محفوظ و برقرار ماند. اگر گفته شود ژورنال دوتهران یکی از ابزار مداوم شناساندن ادب معاصر ایران به خارجیان بوده راه مبالغه نمی‌موده‌ایم.

در پانزده سال اخیر استفاده از سرمقاله‌های روزنامه اطلاعات به عنوان هادی برای تدوین مقاله اساسی ژورنال دوتهران منسوخ گردید. ستونهای مخصوص زیر عنوان نکته‌ها، انتقاد طنزآلود، نقد ادبی و کتاب و نقد کارهای هنری از جمله نقاشی و نمایشگاه‌ها که توسط اعضا ایرانی هیات تحریری به رشته تحریر کشیده می‌شد جلوه و رونقی به آن داد. در مسائل مربوط به تمدن و فرهنگ ایران نیز چند تن از استادان دانشگاه با ژورنال دوتهران همکاری داشتند.

از زمانی که چاپ صفحات ضمیمه و اضافی نزد روزنامه‌های بزرگ فارسی در تهران آغاز شد، مسؤلان این نشریه هم به چنین اقدامی دست زدند، ولی انتشار ضمیمه‌های آن که بیشتر مطالب ادبی و سرگرم‌کننده بود و روح و جنبه ایرانی کم داشت زیاد به طول نیانجامید و در محاق تعطیل افتاد.

موارد مربوط به سانسور ژورنال دوتهران همانند سایر مطبوعات بود و نکته‌مخاص قابل ذکر ندارد. در سالهای اول انتشار، مقالات در دفتر روزنامه دیده می‌شد و مهر «روا» می‌گرفت. و در سالهای آخر به سردبیر وقت تلفنی اطلاع می‌دادند راجع به چه مطالب و مسائلی سکوت کند. و به هر حال دوبار همراه با سایر مطبوعات کشور توقیف جمعی شد.

نخستین امتیاز آن به نام عباس مسعودی مؤسس و مدیر اطلاعات صادر گردید و

۵- فقط برای ثبت در تاریخ اضافه می‌شود که این روزنامه سردبیر های مصلحتی و تشریفاتی هم داشته است. بدین معنی که کسانی که نه به زبان فرانسوی خوب آشنا بودند و نه به حرفه روزنامه نگاری وارد، از طرف صاحب امتیاز به این سمت گماشته می‌شدند.

۶- از جمله شادروان دکتر عیسی سیهیدی و شادروان دکتر عیسی بهنام.

بعد به جواد مسعودی انتقال داده شد که تا پایان دوره مورد بحث ادامه داشت. هیچ يك از این دو نفر دخالتی در جریان کار نداشتند و کلیه امور با سردبیر وقت بود. این روزنامه از نظر عضویت در انجمن مطبوعات و یا جبهه‌های مطبوعاتی بالاستقلال عمل نمی‌کرد و تابع سیاست کلی مؤسسه اطلاعات بود. بعضی از اعضاء ایرانی هیأت تحریری و دوسه نفر از سردبیران آن در سندیکای نویسندگان و خبرنگاران عضویت داشتند.

\*\*\*

حال نگاهی داشته باشیم به فهرست کوتاه این قبیل مطبوعات که همگی در تهران منتشر شده. عناوینی که در مجموعه‌ام کامل نیست، در این فهرست هم نیست.

عنوان	صاحب امتیاز	سردبیر	فاصله انتشار سال
اکودوپرس	دکتر مورل	-	هفته‌نامه ۱۲۶۳/۶۴
اندپاندانس پرس	دکتر حسین خان کحال	مستعان الملك	هفته‌نامه ۱۲۸۸/۸۹
اوریان پانوراما	دکتر قاسم طاهباز	ژ. دزنوا	هفتگی ۱۳۴۰/۴۱
ژورنال دو تهران	عباس مسعودی/ جواد مسعودی	-	روزنامه از سال ۱۳۱۳
کیهان فرانسه	دکتر مصطفی مصباح‌زاده	هیأت تحریری	روزنامه ۱۳۳۸
لاپاتری	بارون نرمان	-	- ۱۲۵۴
مساز دو لیران	آرداشس مسیحی	هیأت تحریری	هفته‌نامه ۱۲۹۳
مسازه دو طهران	فرانسوا ملک کرم	هیأت تحریری	روزنامه ۱۳۰۴/۱۵

\* گفته می‌شود که در سال ۱۳۲۵ هم چند شماره دو زبانی به طرفداری از حزب آزادی منتشر شده. ندیده‌ام.

#### سفرنامه

شرفا شرفایی می‌گفت چندین سال پیش که به گردآوردن سفرنامه‌ها آغاز کردم چون تعداد آنها معدود بود آرام آرام و به مقدار کم آنها را می‌خواندم که همیشه مطلب خواندنی داشته باشم و افسوس می‌خوردم چرا تعداد آنها کم است. حال از آن روزگار سالها می‌گذرد و تعداد سفرنامه‌ها زیاد شده و قسمتی بزرگ از کتابخانه‌ام را گرفته است و اکنون افسوس آن دارم که چرا همه را نخواندم و خواندن همه آنها فرصتی دراز و روزگاری پردامنه می‌خواهد.